

باتو آروم...

www.ketab.ir

اعظم طیاری



انتشارات شادان

تابستان ۱۴۰۱

باتو آروم...

نویسنده: اعظم طیاری

ویراستار: مژگان معصومی

شابک: ۳-۴۷-۷۳۶۸-۶۰۰-۹۷۸

شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۶۴۷۷۵

نویشتن: پنجم

زمان نشر: تابستان ۱۴۰۱

شمارگان: ۲۰۰ جلد

قیمت: ۱۲۵,۰۰۰ تومان

بیادآوری اخلاقی و حرفه‌ای:

کلیه حقوق ناشی از این اثر متعلق به انتشارات شادان است و هرگونه استفاده مادی، معنوی و غیره (به هر شکل و در هرگونه بستر واقعی یا مجازی) صرفاً با کسب اجازه رسمی از ناشر (نماینده نویسنده) امکانپذیر می‌باشد. «این کتاب با کمال حمایتی منتشر شده است»

نشر شادان

گروه فرهنگی انتشاراتی



دفتر مرکزی: تهران

اشرفی اصفهانی - بالاتر از نیایش - خیابان دربندی - شماره ۳۵

تلفن ۲۰ ۲۴۸۸-۸۱ ۸۱-۴۴ ۸۰-۱۸ ۸۰-۴۴

www.shadan.ir

info@shadan.ir



انتشارات شادان
SHADAN.PUB

در اینستاگرام نیز همراهان باشید:

عنوان: باتو آروم پدیدآور: اعظم طیاری

تهران: شادان، ۱۳۹۶ ۳۷۹ صفحه (رومان ۱۲۱۸)

شابک 3-47-7368-600-978 ISBN

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

موضوع: داستانهای فارسی - قرن ۱۴

رده‌بندی کنگره: ۸۱۴۶ PIR رده بندی دیویی: ۶۲/۳ فا ۸

شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۶۴۷۷۵

توقع از آدم‌ها...

گاهی بی‌دلیل خودمان را آزار می‌دهیم. زندگی را همانند معادله‌ای ریاضی می‌بینیم که دو کفه آن باید مثل شاهین ترازو برابر باشد و میزان بایستد، ولی واقعیت غیر از این است.



شاید ایراد از ماست که توقعاتی عجیب و بیش از توان آدم‌ها داریم. تصور می‌کنیم که اطرافیان دور و نزدیک‌مان را می‌شناسیم و بر مبنای همان شناخت، از آنان انتظار رفتارهایی را داریم که در ذهن خود ساخته‌ایم. در عمل اصل تصورات ما به واقعیت نمی‌پیوندد و موجب دلخوری ما می‌شود. به عنوان مثال در زمان بروز مشکلات، انتظار همراهی و همکاری از برخی را داریم که متأسفانه عکس‌العمل آنان در حقیقت همدردی در چند کلام و ابراز تاسفی ساده باقی می‌ماند. اینجاست که حس سرخوردگی به آدم دست می‌دهد و شروع می‌کنیم به چرتکه انداختن که برای هر کس در فلان زمان چه کاری کرده بودیم و اکنون او برای ما هیچ کاری نکرد!... و ترازوی حساب و کتاب ما میزان نمی‌ایستد.

شاید ما بی‌دلیل خود را آزار می‌دهیم، شاید خودمان هم برای دیگران و در تصور آنان وقتی نیاز داشتند، همین رفتار را داشته‌ایم و مطابق با انتظارات آنان عمل نکرده‌ایم. واقعیت را بپذیریم، این ذات اکثر آدم‌هاست

که تا مشکلی نیست، دوستان و همراهان خوبی هستند، اما در بروز مشکلات، خودشان آن قدر گرفتاری دارند که خیلی نمی‌توان از آنان انتظاری داشت. قبول بکنیم یا نه، حتماً کسانی هم هستند که در مواردی همین حس را نسبت به ما داشته‌اند، منتها ما اصلاً متوجه انتظار آنان نشده‌ایم. اگر هم می‌شدیم لابد پیش خودمان می‌گفتیم: چقدر بی‌ملاحظه!

در واقع بهترین کار آن است که انتظار و توقع را از دیگران کم کنیم و در قبال کار یا خدمتی که احياناً و به خیال خود برایشان کرده‌ایم حسابی باز نکنیم. این‌گونه ناراحتی و دلخوری آدم کمتر می‌شود و زندگی راحت‌تر خواهد بود. اگر توانستیم به این درک برسیم و آن را عملی کنیم بی‌تردید راحت‌تر زندگی می‌کنیم و سطح توقع‌مان را از دیگران پائین می‌آوریم. حتی دوستی‌های ما نیز دچار خلل نمی‌شود و پایدارتر باقی می‌ماند چون می‌دانیم که نباید از دیگران انتظار زیادی داشت.

بگذریم...

قصه امروز با قرارداد دادن افراد در موقعیت‌های سخت که ممکن است برای هر کسی پیش بیاید، روابط میان شخصیت‌ها را بررسی کرده است. کسانی که از آنان انتظار داریم و آنانی که اصلاً انتظاری از ایشان نداشته‌ایم. در این زمان‌هاست که مشخص می‌گردد چه کسی و تا چه حدی قابل اتکا کردن است و چگونه گاهی در مورد هر دو گروه دچار شگفتی می‌شویم!

به هر حال داستان حاضر با جذابیت‌های لازم در یک رمان، مخاطب شادان و خوانندگان آثار قبلی نویسنده را جذب و راضی خواهد کرد. همراه شوید با نویسنده‌اش تا روایتی دیگر.

بهمن رحیمی

آذر ماه ۱۳۹۶ - تهران

سید الهام